

قانون موفقیت (۳)

داشتن آمادگی:

پیش زمینه هر عملکرد مؤثر و موفق، ایجاد آمادگی لازم است. انسان موفق، وظایف را بسیار دقیق انجام می‌دهد، موفقیت‌های بزرگ اغلب با توجه به کوچکترین جزئیات به دست می‌آیند و بالعکس یک حادثه یا بی‌دقتی می‌تواند یک شکست بزرگ شود.

میخی گم شد، به خاطر این میخ، نعل اسبی افتاد. به خاطر این نعل اسب، اسبی راهوار از رفتن باز ماند. به خاطر این اسب، جنگجویی نتوانست بجنگد. به خاطر این مرد جنگی، جنگ مغلوبه شد. و به خاطر این جنگ، کشوری از دست رفت. همه اینها، بخاطر یک میخ نعل اسب بود.

مسئولیت‌پذیری:

دلیل بودن ما در موقعیت کنونی‌مان هیچکس جز خود ما نیست. مسئولیت آنچه که هستیم، آنچه که خواهیم شد و آنچه که در آینده بدست خواهیم آورد به عهده خود ماست.

ناپلئون می‌گوید: من در زندگی‌ام یک دوست و یک دشمن بیشتر نداشته‌ام و آن هم خودم بوده‌ام.

دکتر وین دایر می‌گوید: اگر می‌بینید که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرید، قربانی اهداف نامطلوب دیگران می‌شوید. به این دلیل نیست که دنیا پر از رند و شیاد است، بلکه بخاطر این است که شما با اعمال و گفتارناتان به دیگران پیغام داده‌اید که از من سوء استفاده کنید، من از هر جهت آمادگی دارم.

پس برای دستیابی به موفقیت باید مسئولیت تمام جنبه‌های شغلی‌مان را بپذیریم و به گونه ای عمل کنیم که گویی صاحب آن سازمان هستیم.

انسان مسئول هرگز نمی‌گوید: «این کار وظیفه من نیست و به من ربطی ندارد».

خاطره‌ای از علی سعیدی، کارمند شرکت نفت:

در سال ۱۳۱۵ با مدرک ابتدایی در شرکت نفت استخدام شدم و در سال ۱۳۵۰ هنگامی که بازنشسته شدم، لیسانس فنی داشتم. در اوایل استخدامم یک روز نوبت من بود تا کف کارگاه را نظافت کنم، اما من این کار را انجام ندادم و هرچه نصیحت کردند، فایده‌ای نداشت. تا اینکه موضوع به گوش رئیسم رسید. او بدون اینکه عصبانی باشد آمد و کنار دیوار کارگاه ایستاد و به من گفت: به اندازه قدم من روی دیوار خط بکش. چون بلندتر از من بود، روی صندلی رفتم و روی دیوار یک خط کشیدم بعد جارو را برداشتم و کف کارگاه و تمام میزها و وسایل را نظافت کردم.

هنگامی که کارش تمام شد، کنار همان دیوار زیرخطی که کشیده بودم ایستاد و پرسید: «به نظرت من کوچک شده‌ام؟»

به قدری شرمندانه بودم که سرم را پائین انداختم و حرفی برای گفتن نداشتم.

سکوت مرا که دید گفت: اگر شرکت برای نظافت اینجا کارگر استخدام نمی‌کند، برای این است که ما کارآموزان یاد بگیریم و عادت کنیم همه چیز از محیط کارمان، همواره مرتب و منظم باشد.

انتظار:

اگر با اعتماد به نفس انتظار وقوع چیزی را داشته باشیم، اتفاق می‌افتد. در زندگی شخصی

نیز معمولاً همان انتظاراتی را که از موقعیت‌ها و دیگران داریم اتفاق می‌افتد. مثلاً کسی که به علت ترس از جاده احتمال تصادف می‌دهد، احتمال اینکه تصادف کند زیاد است.

داستانک: دو بیمار به پزشکی مراجعه کرده بودند. قرار شد که پزشک تشخیص خود را در دو نامه جداگانه برای آنها بفرستد. پزشک به یکی از آنها نوشت که حالش کاملاً خوب است و هیچ بیماری خاصی ندارد. به دیگری نوشت که وضع قلبش اصلاً خوب نیست و برای افزایش طول عمر خود باید فوراً به کوهستان برود، اگرچه این امر کمک چندانی به او نخواهد کرد.

نامه‌ها به نشانی‌ها فرستاده شد. مرد سالم جوان، نامه‌ای را دریافت کرد که در آن نوشته بود به سلامتی‌اش امیدوی نیست. بی‌درنگ از کارش دست کشید و به کوهستان رفت و پس از چندی مُرد.

مرد بیمار نامه‌ای دیگر را دریافت کرد که می‌گفت حالش خوب است و هیچ بیماری خاصی ندارد و پس از چندی صاحب سلامتی کامل شد.

خلاقیت:

هر نو پیشرفت و موفقیت در زندگی با پیدایش یک ایده در ذهن یک انسان آغاز می‌شود، و هر آنچه را که ذهن انسان بتواند باور کند، قابل دستیابی است. تمام چیزهایی که در اطراف خود مشاهده می‌کنیم (مانند کامپیوتر، تلفن، اتومبیل، هواپیما و غیره) در ابتدا ایده ای در ذهن یک انسان بوده است.

خلاقیت یعنی دیوار هر آنچه هست و بود را بشکنیم.

پائولو کوئیلو می‌گوید: همیشه بهترین راه برای پیمودن می‌بینیم، اما فقط راهی را می‌پیمائیم که به آن عادت کرده‌ایم.

«عادت»، دشمن درجه یک «خلاقیت» است. مهم‌ترین راه ایجاد خلاقیت رهایی از دام عادت‌هاست.

باید عادت کنیم که به چیزی عادت نکنیم.

داستانک: هنگامی که ناسا برنامه فرستادن فضاپروان را به فضا آغاز کرد، با مشکل کوچکی روبرو شد. آنها دریافتند که خودکارهای موجود در فضای بدون جاذبه کار نمی‌کنند. زیرا جوهر خودکار به سمت پایین جریان نمی‌کند و روی سطح کاغذ نمی‌ریزد. آنها برای حل این مشکل، شرکت مشاورین اندرسون را انتخاب کردند. تحقیقات بیش از یک دهه طول کشید، ۱۲ میلیون دلار صرف شد و در نهایت آنها خودکاري طراحی کردند که در محیط بدون جاذبه زیر آب قادر به نوشتن بود. روی هر سطحی حتی کریستال هم می‌نوشت و از دمایی زیر صفر تا سیصد درجه سانتیگراد کار می‌کرد. روس‌ها راه حل ساده‌تری داشتند، آنها از ممداد استفاده کردند.

موفق باشید

حسن زارعیان: مدرس و مشاور خانواده

منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. آینده خود را خلق کنیم / برایان تریسی ترجمه قراچه داغی.
۲. قواعد بازی / احمد جوکار.
۳. رمز موفقیت / دیل کارنگی / ترجمه مسعود میرزایی.
۴. به سوی کامیابی / آنتونی رابینز.

